

میان دختران صحرا

تالیف:

فریدریش نیچه

تدوین و گردآوری:

رضا کریمی پور



انتشارات نسل نیکان

تهران - صندوق پستی ۱۴۸۴-۱۳۱۴۵

میان دختران صحرا

فریدریش نیچه

تدوین: رضا کریمی پور

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۴

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

ISBN 964-8143-49-8

شابک: ۹۶۴-۸۱۴۳-۴۹-۸

مرکز بخش: کتابفروشی عدالت - ۶۶۴۹۷۸۶۸

۱۰۰۰ تومان

نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م Nietzsche, Friedrich Wilhelm

میان دختران صحرا/ تألیف فریدریش نیچه؛ تدوین و گردآوری رضا
کریمی‌پور. - تهران: نسل نیکان، ۱۳۸۴.
۱۴۰ ص.

ISBN: 964-8143-49-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابخانه: ص. ۱۴۰.

۱. شعر آلمانی - قرن ۱۹ م - ترجمه شده به فارسی. ۲. زردشت،
پیامبر ایرانی - شعر. الف. کریمی‌پور، رضا، ۱۳۵۵ - ب. عنوان.

۸۳۱/۸

PT

۸۴-۱۷۰۰۳

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۷
میان دختران صحرا.....	۱۳
از بالای بلندی ها.....	۲۳
سیلس ماریا.....	۲۹
ترانه مستی.....	۳۱
خاموشی آهنین.....	۳۳
خورشید غروب می کند.....	۵۳
فقر توانگر.....	۵۷
شکوه آریان.....	۶۳
یک دیوانه، یک شاعر.....	۶۹
میان مرغان شکاری.....	۷۵
افتخار و ابدیت.....	۷۹
نشان آتشین.....	۸۳
نغمه شب.....	۸۵
اراده آخرین.....	۹۱
به غم.....	۹۳

۹۷		بعد از یک طوفان شبانه
۹۹		مسافر
۱۰۱		روی یخچال
۱۰۳		خزان
۱۰۵		در سرزمینهای جنوبی
۱۰۷		دختر پارسا
۱۰۹		زورق مرموز
۱۱۱		لعنت
۱۱۳		این روح‌های مردد
۱۱۵		کلمات قصار زنان
۱۱۷		نغمه یک دختر جوان
۱۱۹		آواره
۱۲۱		منزوی
۱۲۳		خواهش
۱۲۵		بدان
۱۲۷		از دنیا بیزاران
۱۲۹		میان دشمنان

مقدمه

بدون شک نیازی به معرفی نیچه به خوانندگان ایرانی نیست چرا که ایرانیان و کسانی که با فلسفه و ادبیات اروپا سروکار دارند با نام او آشنا هستند.

فریدریش نیچه در نیمه دوم قرن بیستم زیست و در آغاز قرن بیست و یکم (۱۹۰۰-۱۸۴۴) درگذشت.

وی در ۱۵ اکتبر سال ۱۸۴۴ در «روکن» آلمان به دنیا آمد، پدرش کشیشی لوتری مذهب بود که نام او را هم نام با پادشاه پروس، فریدریش ویلهلم گذاشت. مادر نیچه، دختر کشیشی از دهکده‌های ساکس بود و اجداد نیچه، هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، روحانیون لوتری مذهب بودند. نیچه زمانی که بیش از پنج سال نداشت پدر خود را در اثر آسیب مغزی - که شاید نوعی بیماری ارثی بود - از دست داد و یک سال بعد خانواده‌اش به «ناومبورگ» نقل مکان کردند. در دوران دبیرستان کمتر با دیگران معاشرت می‌کرد و از دردهای شدید سر و چشم رنج می‌برد. وی

در بیست سالگی در دانشگاه بن قبول شد و به فراگیری زبان و معارف لاتین و یونانی پرداخت. در سال ۱۸۷۰ که بیست و شش ساله بود با فرانسیس اوروریک که متخصص تاریخ دین مسیح، ولی ملحد و منکر وجود خدا بود آشنا شد و یک سال بعد کتاب «زایش تراژدی» را نوشت که مورد توجه واقع نگردید. وی در اواخر سال ۱۸۷۵ دچار بحرانهای روحی و معنوی فراوانی گشت و در سال ۱۸۸۱ کتاب «سپیده دم» - که حاوی اندیشه هایی درباره پیش داوریهای اخلاقی بود- تألیف نمود. در سال ۱۸۸۲ برای نخستین بار این فکر که «آیا خدا مرده است؟» به ذهنش خطور کرد و در سال ۱۸۸۳ کتاب «زرتشت چنین گفت» را به رشته تحریر در آورد به طوری که کل فلسفه‌ی او در این کتاب نهفته است هر چند که اظهار داشت:

«دیگر هیچ چیزی را نمی توان خوب از آب در آورد، دیگر هیچ چیز خوبی درست نخواهم کرد چرا باید چیز خوبی درست کنم و این آخرین حماقتم بود، منظورم کتاب زرتشت چنین گفت می باشد.»

نیچه تا سال ۱۸۸۶ مشغول کامل کردن کتاب «زرتشت چنین گفت» بود. شاید تنها اثری که بتوان شخصیت و افکار نیچه را در آن بطور

وضوح تجلی داد، کتاب «زرتشت چنین گفت» می باشد. در سراسر این کتاب هیجان و بلند بینی خاصی همراه با طرز کلام و روح شاعرانه‌ای که غالباً مخصوص نیچه می باشد، به چشم می خورد.

در همین سال کتاب «فراسوی نیک و بد» را به چاپ رساند و در سال ۱۸۸۷ «تبار شناسی اخلاق» که به نوعی مسائل روانشناختی می باشد را چاپ کرد به طوریکه در این کتاب یا را از حد فراتر گذاشته و جسارت خود را به نوعی که نشان دهنده تنفر از روح آلمانی آن زمان است، نشان داد. سپس کتاب «اراده‌ی معطوف به قدرت» را نوشت و پس از آن اختلال روانی نیچه سرعت گرفت و تشخیص به بیماری سیفیلیس داده شد و کم کم آثار دیوانگی در اواخر عمرش نمایان گشت به طوری که در میدان تورین بازوان خود را دور گردن اسب پیری که به گاری بسته شده بود، حلقه کرده و جملاتی با عطفوت و مهربانی بیان می کند و پس از آن لخت شده و در آب باران پیاده رو، آب تنی می کند.

نیچه دهه‌ی آخر عمر خود را در ناتوانی و دیوانگی به سر برد، گاهی مانند کودک کم سن و سال نرم و فرمان بردار و گاهی مانند اسب لگام

گسیخته‌ای سرکش و نامهربان بود و از لحاظ فکری در لبه‌ی نیستی وزوال قرار داشت و بالاخره در روز ۲۵ اوت ۱۹۰۰ چشم از جهان فرو بست.

نیچه به حق یا ناحق عامل اصلی یکی از بزرگترین نهضت‌های سیاسی و اجتماعی این قرن محسوب می‌شود چرا که ناسیونال سوسیالیست‌های آلمانی خود را پیروان فلسفه نیچه نامیده‌اند در حالیکه بین طرز تفکر آنها با نیچه تفاوتی بس فاحش وجود دارد.

بدون شک نیچه، مارکس و فروید جزء افرادی بودند که با زندگی و افکارشان خواب مردم دنیا مخصوصاً اروپا را دستخوش آشفتگی کردند. مارکس در سال ۱۸۸۳ در گذشت و فروید در سال ۱۹۳۹ دیده از جهان فرو بست و نیچه نیز در سال ۱۹۰۰ بدرود حیات گفت و بین این افراد هیچ رابطه‌ای وجود نداشت.

هر سه فیلسوف به انکار خدا زبان گشوده‌اند و ایمان به پروردگار را نشانه‌ی ضعف اراده و اطاعت پیشگی آدمی می‌دانستند که جبر تاریخ موجب آن بوده است، هر سه فیلسوف می‌خواستند انسان را از اطاعت خدا باز دارند و با اثبات پوچی ایمان به خدا، با پرورش حس اتکاء به نفس

و نیروی عرض اندام در بشر ریسمان ایمان بین خدا و انسان را پاره کنند. مجموعه حاضر، شامل آثار دوران هفده ساله‌ی شاعری نیچه است که قسمتی از آنها را قطعات کوتاه، و گاه بسیار کوتاه شاعر تشکیل می‌دهد. در این آثار، از لحاظ ادبی و قدرت کلام اختلاف زیادی هست، اشعاری که در سالهای اولیه سروده شده، غالباً احساسات جوانی با ظرافت طبیعی آمیخته شده است که با روحیه‌ی واقعی نیچه سازگار نیست ولی در نیمه دوم این مجموعه قطعات عالی و فوق العاده قوی و محکمی سروده شده است که آنها را در ادبیات آلمان بی نظیر شمرده‌اند.

این قسمت تقریباً شامل تمام قطعات مربوط به زرتشت یعنی قطعات از بالای بلندی‌ها، خاموشی آهنین، خورشید فرو می‌رود، فقر آن کسی که توانگرتر است، شکوه آریانا، یک دیوانه، یک شاعر و میان دختران صحرا می‌باشد.

نیچه خود هرگز اشعارش را به صورت مجموعه‌ای مستقل چاپ نکرد بلکه اشعار وی در اواخر عمرش برای نخستین بار توسط خانم فورستر نیچه خواهر او، به صورت مجموعه‌ای از اشعار منتشر شد.

لازم به توضیح است که کتاب حاضر بدون هیچ گونه دخل و تصرفی از روی ترجمه‌های قدیم جمع‌آوری شده است.

در ضمن به غیر از قطعه‌ی «از بالای بلندیا» تمامی اشعار از سال ۱۸۸۲ به بعد سروده شده است.

در پایان لازم می‌دانم از خانم کمالی و خانم شمشیری و هم چنین آقای ناصر زاهدی مدیر مسئول کتابفروشی عدالت و انتشارات نسل نیکان که در تهیه و تنظیم این کتاب بنده را یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایم.

رضا کریمی پور

تهران ۱۳۸۴